

دشواری کاربست فرضیه در پژوهش‌های تاریخی

محسن خلیلی*

چکیده

پژوهش تاریخی، با بهره‌گیری از اسناد معتبر صورت می‌گیرد، اما حضور نداشتن در صحنه‌ی واقعه، باعث می‌گردد پژوهشگر نتواند به طور زنده، داده‌های مورد نیاز را جمع‌آوری کند. همین امر، سبب می‌شود پژوهش تاریخی دچار ضعف شود؛ زیرا محقق ناچار می‌شود گسست میان مدارک به دست آمده را با حدس و تفسیر پر کند. پرسش اساسی آن است که علم تاریخ، چگونه می‌تواند با فرضیه‌های هم‌نشین شود؟ فرضیه‌ای که از اساس، موجب جهت‌دار شدن شیوه‌ی خوانش متون تاریخی می‌گردد و تاریخ واقعی یک رویداد را به قرائتی خاص از یک رخداد بدل می‌کند؟ وضع مسئله‌انگیز آن است که علم تاریخ از جنبه‌ی یک انتظام دانش‌ورزانه، بدون تعامل با دیگر شاخه‌های علوم انسانی، گیرایی کافی ندارد؛ زیرا به زنجیره‌ای بی‌پایان از رویدادهای تلنبار شده بدل می‌گردد. وانگهی، کمک‌گیری متقابل آکادمیک نیز سبب می‌گردد اصل واقعه‌ی تاریخی شناسایی نشود. فرضیه‌سازی، تیغ دو دم علم تاریخ است، هم ناجی است هم نافی.

کلیدواژه‌ها: تاریخ، پژوهش تاریخی، فرضیه، کارویژه‌ی فرضیه، دشواری تاریخ.

مقدمه

اندیشمندان بسیاری درباره‌ی ناهمانندی علوم انسانی / تجربی سخن گفته‌اند: در برخی موارد، فاصله‌ی میان علوم انسانی و علوم تجربی، بسیار به نظر می‌رسد؛ زیرا تمایز میان علم - به عنوان محیطی که در آن، سخن گفتن از قواعد و قوانین، معنا پیدا می‌کند - و

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد mohsenkhalili1346@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۳۰، تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۸/۱۶

رفتار انسان - که اگر صرفاً به علت آزادی اراده باشد، همواره نیازمند استدلال منطقی است - مشخص نیست.^۱ مهم آن است که این ناهمانندی‌ها، گریبان شاخه‌های علوم انسانی را نیز گرفته است؛ به این معنا که هر کدام از رشته‌های موجود، از روش‌شناسی‌های گوناگون به‌رمندند، گویی، یکسان‌سازی‌های متدولوژیک، کاری عبث است. حال آیا می‌توان از همسانی فرضیه‌سازی/پردازی و کارویژه‌های فرضیه‌ها، در پژوهش‌های علوم انسانی، سخن به میان آورد؟ فرضیه، پاسخی موقت و جهت‌یافته تلقی شده است که پژوهشگر در برابر یک امر واقع، طرح می‌کند؛ خواه به منظور بررسی این امر که آیا قوانین شناخته‌شده، درباره‌ی آن قابل اعمال است یا خیر، خواه برای دستیابی به قوانینی تازه، روابطی نو یا پیشنهاد تجربه‌هایی جدید.^۲

فرضیه، باید به پژوهشگر کمک کند که از میان راه‌های گوناگون وصول به منظور، تنها یک، دو، یا چند راه را که گمان می‌رود بیش از همه به مقصد نزدیک است برگزیند و آسان‌ترین و محتمل‌ترین راه وصول به هدف پژوهش را انتخاب کند. برای ارائه‌ی فرضیه، دو راه بیشتر نیست: یا محقق، بدون مطالعه‌ی پیشین، حدس می‌زند که فلان قضیه درست است، بنابراین تلاش می‌کند داده‌هایی را برگزیند که حدس او را تأیید نماید، یا پس از بررسی همه‌ی جوانب یک موضوع، گمان می‌کند که یکی دو سه حدس نخستین او در پاسخ به مسئله‌ی پژوهش، متقن‌تر از سایر گمان‌هاست.

نگارنده، بنابر تجربه‌ی شخصی دریافته است که در فضای دانشگاهی کشور، به ویژه در میان اهالی علوم انسانی و در آن میان، اهالی علوم سیاسی و جامعه‌شناسی، بیشتر از همه، راه نخست را برگزیده و در این اندیشه‌ی نادرستند که چرا دیگران، همانند آنان پژوهش نمی‌کنند.

غصه وقتی افزون می‌شود که تاریخ‌پژوهان نیز در حال پیمودن این راه نادرست هستند. کتاب‌های تازه چاپ‌های پژوهش و تحقیق در تاریخ، به این نوشتار فرصت جسارت می‌دهد که نباید بی‌توجه به ناهمانندی روش‌شناسانه، شیوه‌هایی را در پژوهش پیش گرفت که نادرستی بسیار دارند. برای نمونه، کتاب «روش تحقیق با تأکید

۱. میشل بتلی ۱۳۸۵. "بحران در روش"، ترجمه‌ی علیرضا ملایی توانی، نامه‌ی تاریخ‌پژوهان، سال ۲، شماره‌ی ۶، تابستان ۱۳۸۵، ص ۲۸.

۲. باقر ساروخانی ۱۳۸۵. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوازدهم، ج ۱، ص ۱۰۰.

بر تاریخ»، عناصر نوزده‌گانه‌ای برای ساختار طرح تحقیق، برشمرده^۱ و ادعا کرده است که هر طرح تحقیقی، تمام عنصرها را دارد و تفاوت، تنها در هدف و تفصیل است. همین نکته بس که در کتاب یادشده، تحقیق کیفی که اساس پژوهش‌های تاریخی است، در بخش ضمایم^۲ آمده، که تلخیصی است از یک کتاب؛ آن هم با نقل این جمله که «روش‌های تحقیق کیفی در رشته‌ی علوم تربیتی»^۳ از سوی جی کاب، طبقه شده است.

هنگامی که برخی صاحب‌نظران به خواست اسکاچیل، مقاله‌هایی درباره‌ی نگرش ویژه‌ی افرادی چون بلوخ، پولانی، آیزنشتاد، بندیکس، اندرسون، تامپسون، تیلی، والرشتاین، و مور به تاریخ و رویدادهای تاریخی، می‌نگارند،^۴ در واقع، این دیدگاه را که «تاریخ، مجموعه‌ای از پژوهش‌های آرشیوی» است که «مختص گردآوری فاکت‌ها درباره‌ی زمان‌ها و مکان‌های خاص در گذشته است»^۵ کنار گذاشته و نشان داده‌اند که تعامل میان انتظام‌های کلاسیک دانشگاهی، تا چه اندازه می‌تواند روشنی‌بخش باشد. اما در این صورت، نوعی ساده‌سازی رواج می‌یابد که در محیط درسی نابسامان کشور، برای آشفتگی ذهنی، فرصت‌سازی می‌کنند. پذیرش این مفروض که تاریخ، تا زمانی که بازسازی و به وسیله‌ی مورخان، روی کاغذ آورده شود، موجودیت نمی‌یابد،^۶ ساده است، اما نباید به فدا کردن مؤلفه‌هایی منجر گردد که بن‌مایه‌ی شناخت یک انتظام دانشگاهی است.

آنچه تاریخ را به مثابه‌ی دانش، از بسیاری رشته‌های موجود در علوم انسانی منفک می‌کند، این است که تا محقق، کل مآخذ خود را بررسی و مواد لازم را برای تحقیق استخراج نکند، بر کیفیت محتوای اطلاعات خود، احاطه نخواهد داشت؛ و تا بر این نکته‌ها، تبحر نیابد، تعیین مسئله ممکن نخواهد بود.^۷ از این منظر، گام تحلیل در سیر پژوهش تاریخی، بر شناخت متن واقعه، علل وقوع رویداد و روابط آن با دیگر وقایع، و نتایج و اثرات حاصل از واقعه،^۸ مبتنی است.

۱. جهانبخش ثواب ۱۳۸۵. روش تحقیق با تأکید بر تاریخ، شیراز: نوید شیراز، صص ۶۳/۶۵.

۲. همان، صص ۳۲۹/۳۴۲.

۳. همان، ص ۳۲۹.

۴. تدا اسکاچپول ۱۳۸۸. بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی، ترجمه‌ی سیدهاشم آقاجری، تهران: نشر مرکز.

۵. همان، صص ۴۹۹/۵۰۰.

6. Geoffrey Elton, 2002, *The Practice of History*, Oxford, Blackwell Publishing, P. 97.

۷. جهانگیر قائم مقامی ۱۳۵۸. روش تحقیق در تاریخ‌نگاری، تهران: دانشگاه ملی ایران، ص ۳۳.

۸. همان، ص ۳۴.

تمهید نظری

همیشه شکافی کوچک یا بزرگ، میان چیزها، آن‌گونه که هستند و آن‌گونه که فکر می‌کنیم هستند، وجود دارد؛ مسئله‌ی باور/ واقعیت. شناخت، عنوانی است که به تلاش‌های ما برای پر کردن این شکاف، اطلاق می‌شود. گاهی شاید در این راه، کامیاب شده، شناخت معینی به دست آورده‌ایم، ولی متأسفانه، اگر نگوئیم هرگز، به ندرت می‌توانیم از این کامیابی یقین حاصل کنیم. دانستن، چیزی است و دانستن اینکه می‌دانیم، چیز دیگر. اگر در حوزه‌هایی از شناخت بشری چنین یقینی به دست آید، بسیار نامحتمل است که تاریخ، جزء آن حوزه‌ها باشد.^۱

از آنجا که قیاس، ذهن را مقید می‌کند، ناگزیر در پژوهش‌های علمی، از جمله در تاریخ، روش استقرایی بر روش قیاسی برتری دارد. این حرکت جزء به جزء، برای آن است که پژوهش نیز خود، پویایی گام به گام است تا عقل‌پذیر گردد: تحقیق درباره‌ی گذشته‌ی جهان، یعنی شناخت محدوده‌ی زمین و آنچه در آن است به همان صورت که در قرون و اعصار پیش بوده است. در این تحقیق، باید به سیر تحولات آن مسائل و علل وقوع هر یک از تحولات و روابط آنها با دیگر مسائل و رویدادها، به نحوی توجه شود که عوامل زمان و مکان درباره‌ی هر یک از آن مسائل و تحولات در نظر باشد و سرانجام، یک نتیجه‌گیری منطقی از مجموع بررسی‌ها به عمل آید.^۲

اما جایگاه تاریخ، برتر است و نمی‌توان آن را فروکاهید. نکات موجود در هر گزارشی، درباره‌ی امری است که پیش‌تر اتفاق افتاده است. پی‌نوشت، ارجاع به منابع، کتاب‌شناسی - که به آنچه گفته می‌شود، اعتبار می‌بخشند - همگی از علم تاریخ به دست آمده‌اند. دیگران از تاریخ‌نویسان آموخته‌اند که قراین را بررسی کنند، شواهد را بسنجند، و صحت امری را به اثبات برسانند؛^۳ به شرط آن که پندی مهم، فراموش نگردد: ادوارد کار، هنگامی که به شنوندگان سخنرانی‌اش گوشزد می‌کرد که «مورخان را

۱. مایکل استنفورد ۱۳۸۲. *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه‌ی احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی، ص ۱۰۷.

۲. روش تحقیق در تاریخ‌نگاری، صص ۶۵.

۳. ژاک بارزان؛ هنری فرانکلین گراف ۱۳۸۵. *پژوهشگر نوین: روش پژوهش و گزارش*، ترجمه‌ی مجید خیام‌دار و مریم جابر، تهران: مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی دانشگاه‌ها: سمت، ص ۹.

مطالعه کنید پیش‌تر از آنکه به پژوهش درباره‌ی واقعیت‌ها دست بزنید» با تکیه بر یک همانندسازی ساده، این نکته را روشن ساخت که بهترین مورخان، یک زاد و ولد کننده‌ی عجیب و غریب و غیرمتعارف بوده و هر کدام از آنها، به منزله‌ی لنگرگاه و پناهگاهی برای پهلو گرفتن توأمان علایق و دل‌مشغولی‌ها به حساب آمده‌اند.^۱ به تعبیر مارویک، تاریخ، محصور در هشت میدان نبرد است: جنبه‌ی متافیزیک و رهیافت‌های هستی‌شناختی، سیاست‌های افراطی و پوچ‌گرایی، طبیعت گذشته و حال و آینده‌ی جوامع انسانی، ساخت فرهنگی دانش، زبان و ادبیات، متنی بودن، ناهم‌رایی میان مورخان، و اینکه دقیقاً چه پدیده‌ای خطرآفرین است.^۲

بنابراین، پژوهش در تاریخ، دنباله‌رو نظریه‌های آموزش و یادگیری است؛ زیرا از همان آغاز، تاریخ باید به نحوی آموزش داده شود که ذهن را پویا و جست‌وجوگر کند؛ به گونه‌ای که قدرت تفکیک سره را از ناسره داشته باشد. نظریه‌های یادگیری - که می‌تواند در آموزش تاریخ نیز به کار رود - چند گونه است: آموزش به عنوان فراهم کردن آگاهی‌ها و داده‌ها، آموزش به منزله‌ی انتقال داده‌ها و یافته‌ها از آموزشگر به آموزش‌پذیر، آموزش به منزله‌ی تصویرسازی کاربست‌تئوری در عرصه‌ی عمل، آموزش به عنوان گسترش پیوند میان مفاهیم/ اصول و قواعد، آموزش به منزله‌ی توسعه‌ی توانایی خبره شدن، آموزش به منزله‌ی اکتشاف شیوه‌های فهم و شناخت از رهگذر چشم‌اندازهای گوناگون، و آموزش به عنوان ایجاد تغییرها و تحولات مفهومی.^۳ مسئله‌ی اصلی، پرهیز از دو نکته است: یکی اینکه مورخ نباید اخباری و عتیقه‌چی^۴ باشد؛ به این معنا که تنها به یک مقطع خاص علاقه‌مند گردد و به بررسی، مطالعه و جمع‌آوری شواهد و اسناد مربوط به رویدادها و اشیای مرتبط با وجوه تمایز آن دوره‌ی تاریخی بسنده کند؛ دوم اینکه حال‌پندار^۵ نباشد، یعنی تلاش نکند رویدادهای گذشته را با بهره‌گیری از دیدگاه‌های شکل‌گرفته در زمان‌های اخیر، تفسیر نماید.

1. Anthony Grafton 2007 *what was History?* , New York: Cambridge University press, P. 123.

2. Arthur Marwick, 2001 *The New Nature of History*, Hampshire, Palgrave, pp. 4/20.

3. Alan Booth, 2003 *Teaching History at university Enhancing learning and understanding*, London: Routledge P. 58.

۴. مردیت‌گال؛ والتربورگ؛ جویس گال ۱۳۸۷. *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، جلد دوم، ترجمه‌ی احمدرضا نصر و دیگران، تهران: سمت و دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم، ص ۱۱۳۲.

۵. همان، ص ۱۱۶۰.

شاید این عبارت صحیح باشد که نمی‌توان به رویدادها از یک زاویه نگریست، بلکه باید از روش‌های چندگانه، چند روشی متدولوژیک، و پژوهش‌های مبتنی بر سه زاویه‌ی تحقیق^۱ بهره گرفت؛ زیرا هر کدام از چهار نوع پژوهش کاربردی در پژوهش‌های اجتماعی،^۲ تجربه‌های پایا و تعمیم‌های نظری فراوان درباره‌ی زندگی اجتماعی فراهم آورده‌اند؛ اما به تنهایی کافی نیستند و دچار کاستی شده‌اند؛ زیرا هنوز فرضیه‌های رقیب بی‌شماری وجود دارد که ورای ظرفیت‌های روش‌شناختی و عملیاتی ماست.^۳

در این زمینه، فرضیه‌های پیشینی که خود محل تردیدند، اگر بخواهند محقق را به پذیرش اینکه فرضیه صحت و سقم داده‌ها را معلوم می‌گرداند، وادارند، راهی به باطل گشوده‌اند؛ زیرا فرضیه، چنین منزلتی ندارد. آنچه پذیرفتنی است اینکه صدق یا کذب یک نظریه را می‌توان از طریق مشاهده و آزمایش‌های منظم و مستمر تشخیص داد.^۴ باید روش‌هایی ابداع کرد که هم گواهی‌ها و داده‌های زمانمند تاریخی را آزمون‌پذیر نمایند و هم مورخان را از دم تیغ انتقاد استنفورد رهایی دهد که به درستی، نوشته است: شناسایی علت، وابسته به متن یا بسترمند است. از آنجا که واقعیت جهان، بسیار پیچیده است، باید بخش بسیار زیادی از آن را نادیده بگیریم و بر آنچه به علائق و مقاصد کنونی ما مربوط می‌شود متمرکز شویم. این نقص تقسیم تاریخ به تخصص‌های گوناگون نظامی، علمی، دینی، اقتصادی است که مورخان می‌خواهند علت را در حوزه‌ی تخصصی خود پیدا کنند.^۵ راهی که اکنون گشوده شده است و تاریخ‌پژوهان نیز در آن گام گذاشته‌اند، این است که هر پژوهشگری را در آغاز پژوهش، با پرسش «فرضیه‌ی تو چیست؟» به راهی نادرست می‌اندازند که وظیفه‌ی اصلی دانش تاریخ را فراموش کند و به سادگی، بی‌آنکه متنی خواننده و داده‌ای غربال کرده و سره‌ای از ناسره تشخیص داده باشد و بی‌آنکه بفهمد بستر تاریخ چیست و رویداد مورد نظر در کدام متن زمانمند/ مکانمند، روایت

1. Michael Bloor ; Fiona Wood, 2006 Keywords in Qualitative Methods: A Vocabulary of Research Concepts, London, Sage Publications , PP .116/118 and 170/172.

2. Fieldwork ,survey research, experimentation, nonreactive.

3. John Brewer; Albert Hunter, 2006, Foundations of multimethod Research: Synthesizing Styles, London, sage publications, PP.1-2.

۴. رضا قلی نظام مافی ۱۳۶۵. "بینش و روش"، در کتاب: منصوره اتحادیه؛ حامد فولادوند {زیر نظر} بینش و روش در تاریخ نگاری معاصر، تهران: نشر تاریخ ایران، ص ۱۱۸.

۵. درآمدهای بر فلسفه تاریخ، صص ۱۵۶/۱۵۷.

شده است، فرضیه‌سازی می‌کند و تخم لق می‌پراکند که فرضیه داده‌ام و اکنون، پژوهش من، «علمی» است. به راستی، فرضیه چیست که کرسی‌نشین شده و فخر فروش گشته و بی آن، گویی هر مکتوبی یاوه است؟

۱. فرضیه

پژوهش علمی چهار هدف دارد: توصیف، پیش‌بینی، تعیین علت‌ها، و فهم یا تبیین رفتار؛ به بیان دیگر: چه هستند؟ چه خواهند شد؟ به کدام دلیل و علت پدیدار شده‌اند؟ چرا رفتار معینی رخ داده است؟^۱ فرضیه، یک بیانیه‌ی حدسی و مبتنی بر دانش گذشته‌ی محقق است که در محک آزمایش عملی سنجیده می‌شود.^۲ در تعریف‌های دیگر، فرضیه، راه حل پیشنهادی پژوهشگر برای پاسخگویی به مسئله، ابزاری نیرومند برای توانا ساختن پژوهشگر در ارتباط دادن نظریه به مشاهده و مشاهده به نظریه، یک قضیه‌ی آزمایشی پیشنهادشده برای حل مسئله یا تبیین یک پدیده، جمله‌ای برای برآوردن انتظارات محقق در زمینه‌ی پیوند میان پدیده‌های مورد بررسی، نورافکن پر قدرت روشن‌کننده‌ی راه پژوهشگر، یک قضیه‌ی آزمایشی پیشنهاد شده برای آزمودنش (تأیید یا رد آن) براساس سازگاری مفاهیم آن با استناد به مدارک تجربی و دانش گذشته^۳ دانسته شده است؛ با این ویژگی بنیادین، که فرضیه همواره موقت است.^۴ فرضیه، مشتمل بر توضیح و حدس درباره‌ی وقوع برخی رخدادها می‌مانند یا گمانه‌ای گذراست، برای کانالیزه کردن جست‌وجوگری‌ها؛^۵ با یک پیش‌شرط: «فرضیه می‌بایست با پیکره‌ی اصلی یک نظریه، هم‌پیوند» باشد. به تعبیر گود و هت، فرضیه باید از حیث مفهومی، واضح باشد، مدلول و مصداق تجربی داشته باشد، خاص و معین باشد، و با تکنیک‌ها و روش‌های دست‌یافتنی مرتبط باشد.^۶

۱. پل کازی ۱۳۸۶. پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه‌ی حجت‌الله فراهانی و حمیدرضا عربی، تهران: روان، ص ۹.

۲. عزت‌الله نادری و دیگران ۱۳۸۶. راهنمای عملی فراهم‌سازی طرح تحقیق، تهران: روان، چاپ دوم، ص ۱۸.

۳. علی دلاور ۱۳۸۵. روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: ویرایش، چاپ بیستم، صص ۶۱/۶۰.

۴. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ص ۱۰۱.

5. C. R. Kothari, 2002, *Research methodology methods and techniques*, New Delhi, wishwa prakashan, p 223 .

6. Delbert Miller; Neil Salkind, 2002, *Handbook of research design and social measurement*, London, 6th edition pp 32/36.

فرضیه، با الهام از تفکری تئوریک و بر پایه‌ی شناخت مقدماتی پدیده‌ی موضوع مطالعه، بیانگر استنباطی مستدل درباره‌ی رفتار اشیاء واقعی مطالعه شده است.^۱ بنابراین، از یک سو، می‌توان چنین تلقی کرد که پنج منبع فرضیه یا ایده عبارت است: عقل سلیم، مشاهده‌ی جهان پیرامون خود، نظریه‌ها، پژوهش‌های پیشین، مسائل کاربردی.^۲ تهیه، واریسی پیش فرض‌ها و آزمون فرضیه‌ها،^۳ همگی نشان می‌دهد که فرضیه‌ها بسیار دیر متولد می‌شوند و در طول یک پژوهش دامنه‌دار، به دست می‌آیند.

انقسام فرضیه‌ها^۴ که با نگاه از زوایای متفاوت صورت پذیرفته و به انواع گوناگون تقسیم شده‌اند،^۵ همگی نشان می‌دهد که نمی‌توان از بن‌مایه‌های ناهمانند پژوهشی در علوم انسانی غافل بود و با عبارت‌هایی کلی از باب فرضیه‌پردازی (که به طور معمول در آغاز هر روند پژوهشی، استاد، ساده‌سازانه از دانشجو می‌پرسد: فرضیه‌ی تو چیست؟) چنین تصور کرد که معیارهای علمی، رعایت شده است. فرضیه، هنگامی مناسب می‌یابد که درباره‌ی پرسش‌های «چرا»، کندوکاو می‌شود و نیز هنگامی که از استراتژی پژوهش قیاسی برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها استفاده می‌شود. فرضیه‌ها برای استقرا مناسبی ندارند و در استراتژی استقرا، در مراحل اولیه‌ی تحقیق، به کار نمی‌آیند.^۶

در ضمن، باید روشن نمود که کدام پژوهش‌ها، در کدام شاخه از رشته‌های گوناگون علوم انسانی، رواج دارند؟ بنیانی‌اند یا کاربردی؟ پرسش چیستی دارند، یا چگونگی یا چرایی؟ کارکرد اکتشافی دارند یا توصیفی، تبیینی، تفهیمی، پیش‌بینی، ارزشیابی، اثرسنجی و تغییری؟^۷ برخی از رشته‌های علوم انسانی - و به طرز شاخص، تاریخ - به دلیل داشتن داده‌های بی‌شمار، مدام در مسیر اکتشاف و تنقیح شواهد، پیش می‌روند و کمتر می‌توانند فرضیه را پیش از برشماری داده‌های درست برگزینند.

۱. ریمون کیوی؛ لوک وان کامپنهود ۱۳۸۶. روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا، چاپ دوم، ص ۱۱۹.
۲. پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری، ص ۲۲.
۳. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، صص ۱۰۴/۱۰۳.
۴. فریدون کامران، علی اکبر نیک خلق ۱۳۸۶. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: چاپخس، صص ۶۷۶.
۵. غلامرضا خاکی ۱۳۸۷. روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی، تهران: بازتاب، چاپ چهارم، صص ۱۳۶/۱۳۰.
۶. نورمن بلیکی ۱۳۸۷. طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه‌ی حسن چاووشیان، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ص ۲۱۴.
۷. عباس منوچهری {به اهتمام} ۱۳۸۷. رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت، ص ۳۵۷.

آیا تتبع در رویدادهای تاریخی، جنبه‌های حذف شدنی نیز دارد یا آنکه هر داده‌ی تاریخی، خود، یک تاریخ نیست؟ آیا می‌توان از پیش تعیین کرد که در پژوهش درباره‌ی تاریخ، باید جهت تبیین را معین نمود؟ تکلیف پژوهشگر در قبال جنبه‌های محذوف تبیین چیست؟ از کجا معلوم که حذفیات ما نادرستند؟ موقعیت معنادار در روایت تاریخ چیست و با کدام معیار می‌توان میان معناداری/بی‌معنایی شواهد، سخن گفت تا برسیم به آنکه فرضیه باید محقق را به آن حساس سازد؟ وانگهی، اگر همه‌ی متغیرهای موجود در فرضیه، به پیشامدهای مشاهده‌پذیر تجربی، ارتباط پیدا نکنند چگونه می‌توان به آزمون فرضیه دست زد؟

ویژگی‌های تدوین یک فرضیه چنین است: پیش‌بینی پیوند میان دو یا چند متغیر؛ بیان روشن و بدون ابهام فرضیه، مبتنی بر یک جمله خبری؛ وجود استنتاج‌های ضمنی روشن برای آزمایش روابط میان متغیرها، و خوب آزمون‌پذیری و آزمون آن بر پایه‌ی داده‌های تجربی.^۱ چگونه می‌توان بدون شناسایی و تمیز داده‌های تاریخی درست از نادرست، به پیوند میان آنها، وقوف یافت و به استنتاج دست زد؟ چگونه می‌توان داده‌ی تاریخی را که اکنون فراموش شده است، به نحوی تجربی آزمون‌پذیر ساخت؟ به نظر می‌رسد گردآوری و تنقیح داده‌های تاریخی، کاری دشوار است و حتی اگر فرضیه‌ی پیشینی، درست طرح شده باشد، معلوم نیست خود داده‌ها، تا چه حد حقیقت داشته باشند؛ زیرا ممکن است داده‌های نامکشوف، مسیر پژوهش را تغییر دهند؛ آزمون‌پذیری و قابلیت تبدیل فرضیه به تعریف‌های عملیاتی برساخته‌ی محقق و دیگر معیارها، به کنار. حال اگر رویدادهای تاریخی، خود، واقعی باشند که هستند، روایت آنها - با توسل به فرضیه‌های گوناگون که معلوم نیست درستند یا نادرست - غیر واقعی شوند، چگونه می‌توان تاریخ را به درستی فهمید؟

۲. پژوهش تاریخی

تاریخ، مددکار پژوهش در علوم اجتماعی است. بنابراین «علم اجتماعی مستقلی نیست».^۲ پژوهش تاریخی چیست؟ پژوهش تاریخی، بررسی منظم اسناد و مدارک تلقی شده که در زمینه‌ی پرسش مورخ درباره‌ی گذشته، دارای حقایقی هستند.^۳ همچنین،

۱. حیدر علی هومن ۱۳۸۶. شناخت روش علمی در علوم رفتاری، تهران: سمت، ص ۱۴۳.

۲. موریس دوورژه ۱۳۷۵. روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه‌ی خسرواسدی، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، ص ۵۷.

۳. رمضان حسن زاده ۱۳۸۷. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: ساوالان، چاپ ششم، ص ۱۹۰.

فرآیند جستجوی نظام‌مند داده‌ها، برای پاسخ به پرسش‌های مربوط به وقایع گذشته، با هدف درک بهتر نهادها، عملکردها، روندها و مسائل کنونی^۱ نامیده شده است. تاریخ، سه کارکرد دارد: راهنمای عمل اجتماعی از طریق انتقال مفاهیم، مضامین و روی داده‌های گذشته به حال؛ نهادی برای آموزش، انتقال و اشاعه مدنیت؛ و نهادی برای سازمان‌دهی و سامان‌دهی امور سیاست، جامعه، فرهنگ و اقتصاد در حال و آینده.^۲ این نکته پذیرفتنی است که تاریخ، مانند شکار، زمین‌شناسی، و کارآگاهی بر گمانه‌زنی استوار است. در همه‌ی این موارد، حتی حدسیات متخصص، ابطال‌ناپذیر و یافته‌های آنها، مسلم و قطعی نیست.^۳ حال، وظیفه‌ی پژوهشگر تاریخ چیست؟ آنان، «همواره سعی دارند وقایع گذشته را بازسازی کنند و به نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین تصور از آن، نایل آیند. اما گاهی «این روش‌ها و ابزارها، خود، به جای یاری رساندن در خالص‌سازی واقعیت، بیشتر، آن را به پندارهای مورخ می‌پالایند».^۴

مورخ نیز با شواهد تاریخی سروکار دارد که با هم متفاوتند: یافته‌ی تاریخی، آن چیزها و خبرهایی است که مورخ، در کندوکاو خویش، به آنها دست می‌یابد و به مثابه‌ی مواد خام در اختیارش قرار می‌گیرد. اما داده‌ی تاریخی، دستاورد مبتنی بر تحقیق و تأمل مورخ، از میان یافته‌هاست؛ اطلاعات ارزیابی‌شده‌ای که مورخ یا پژوهشگر تاریخ، با توجه به اصول و روش‌های تاریخی، به گمان خویش، به راستی آنها دست یافته است.^۵ کار عمده‌ی مورخ، هنوز باقی است: پیوند این اجزاء، همان کاری است که توجیه و تفسیر واقعیات می‌خوانندش و بدون آن، تاریخ فقط عبارت از واقعیات پراکنده خواهد بود. اینجاست که مورخ باید نخست خود را برای درک درست گذشته آماده کند. آنچه ضرورت دارد رهایی از حال است، از زمان حاضر. مورخ که می‌خواهد بخشی از

۱. مردیت گال؛ والتربورگ؛ جوینس گال ۱۳۸۷. *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه‌ی احمدرضا نصر و دیگران، جلد دوم، تهران: سمت، چاپ سوم، صص ۱۱۳۰/۱۱۲۹.

۲. فائزه توکلی ۱۳۸۷. "ضرورت بازاندیشی تاریخ و کارکرد آن در علوم انسانی: درک گذشته، تأثیر برآینده"، *نامه‌ی تاریخ‌پژوهان*، سال ۴، شماره‌ی ۱۶، زمستان ۱۳۸۷، ص ۳۵.

۳. *درآمدی بر فلسفه‌ی تاریخ*، ص ۱۱۳.

۴. علی معموری ۱۳۸۵. "نسبت حقیقت و روش"، *نامه‌ی تاریخ‌پژوهان*، سال ۲، شماره‌ی ۶، تابستان ۱۳۸۵، ص ۸۶.

۵. سید علیرضا واسعی ۱۳۸۵. "تاریخ تحلیلی یا تحلیل تاریخ"، *نامه‌ی تاریخ‌پژوهان*، سال ۲، شماره‌ی ۶، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۴۲.

گذشته را به درستی ادراک کند و آن را درست در مختصات زمانی و مکانی خویش جای دهد، باید فاصله‌ای را که میان او و گذشته است درنوردد.^۱ حال، گوناگونی روش‌های پژوهش، در رشته‌ی تاریخ پدیدار می‌گردد. روش کمی که ویژه‌ی بخش‌هایی ریاضی‌گونه از علوم اجتماعی است کاربرد می‌یابد. هنگامی که یک مورخ سرگرم توصیف و تحلیل جامعه‌ی انسانی است، چه در زمان حال و چه در زمان گذشته، به ناچار ارقام و اعداد را زیاد به کار می‌بندد. سن و سال، تاریخ تولد، میزان ثروت و دارایی، تعداد همسران، و تعداد فرزندان، همه، ارقامی است برای خبر دادن از زندگی یک شخص و توصیف شخصیت او. اما گروه‌بندی مردمان و کاربست واژگانی چون طبقه‌ی متوسط، و محافظه‌کاران نیز منوط به داشتن عددی است که روی هم رفته، نشان می‌دهد چرا یک فرد، فقیر یا ثروتمند، و جوان یا پیر است؛ زیرا با ارقام، بهتر می‌توان مختصات او را بررسی و طبقه‌بندی کرد و به گروه‌بندی‌های ممتازتر دست یافت. یک بار، سال تولد کسی را به عدد می‌گوییم، این امر به طرز دقیق، رقمی قابل شمارش است، ولی یک بار می‌گوییم فلانی فاشیست است. این عدد، کیفی است، ولی مگر نه این است که همین عدد، حاصل اندازه گرفتن رقمی از انسان‌هایی است که چنین منظر و رفتاری برگزیده‌اند. بنابراین، مورخان نیز سر و کارشان با حساب است.^۲

نمودار «تاریخ تاریخ‌نگاری ساختارگرا»، نمودار «انواع بنیادین تئوری‌ها و روش‌شناسی‌های اجتماعی»، و «رهیافت‌های روش‌شناسانه به تاریخ ساختارگرا با عطف توجه به مبانی فلسفی»،^۳ همگی نشان می‌دهد که درباره‌ی وجود فرضیه در پژوهش‌های گوناگون، اختلاف نظر بسیار است و فرضیه که یکی از پایه‌های محرز پژوهش‌هاست، با چالش‌هایی مواجه می‌گردد. کیتسن کلارک، پژوهش تاریخی را بر پایه‌های ذیل استوار می‌داند: هدف از تحقیق، انتخاب موضوع، وسایل لازم، نقد شواهد، ارائه‌ی شواهد، یادداشت‌های تحقیق‌کننده.^۴

۱. عبدالحسین زرین‌کوب ۱۳۷۰. *تاریخ در ترازو*، تهران: امیرکبیر، چاپ سوم، صص ۱۶۳/۱۶۴.

2. Roderick Floud 1990. *An Introduction to quantitative methods for historians*, London, Routledge, pp. 1-2.

3. Christopher Lioyd 1995. *The structures of history*, Oxford, Blackwell, PP. 17, 41, 70 – 71.

۴. جرج رابرت، سیدنی کیتسن کلارک ۱۳۶۲. *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ*، ترجمه‌ی آوانس آوانسیان، تهران: اساطیر، صص ۲۳-۶۰.

آغاز پژوهش تاریخی با دشواری‌هایی همراه می‌شود: بیکر، از تعیین موضوع مطالعه، تعیین منابع، گردآوری شواهد، ابزار کمی کردن شواهد، و گزارش نویسی^۱ یاد می‌کند. گال، بورگ و گال، نیز از تعریف مسئله‌ی مورد بررسی، جستجو و تهیه منابع تاریخی، تلخیص و ارزیابی داده‌ها و ارائه‌ی منسجم داده‌های مرتبط در یک چارچوبه‌ی تحلیلی^۲ سخن می‌گویند. اما از آنجا که تاریخ، موضوع گسترده‌ای است که به شرح کامل آن نمی‌توان نایل آمد، تاریخ‌پژوه فقط به مطالعه‌ی اموری می‌پردازد که ممکن است بر اساس آثار بازمانده برای تاریخدان مکشوف گردد. همین خارج ساختن الگو و طرح از میان انبوه داده‌ها و جزئیات موضوع مورد مطالعه،^۳ سبب می‌شود نتوان درباره‌ی تاریخ، به سهولت داوری نمود؛ به ویژه آنکه در فرضیه، خود به خود نوعی داوری پیشینی وجود دارد، هر چند ارزش‌گذارانه نباشد.

شاید بتوان به کمک تحلیل‌های تاریخی، فرضیه‌آزمایی کرد، یا دلایل وقوع یک رویداد تاریخی را دریافت، اما «محدود کردن مطالعه‌ی تاریخی به یک موقعیت یا صحنه‌ی تاریخی خاص در گذشته، آزمودن ارتباط‌های علی را محدود می‌کند و هر گونه تبیین را که پژوهشگر پیشنهاد کرده است، دلخواه و آزمون‌نشده جلوه می‌دهد. برای غلبه بر این مشکل، پژوهشگر تلاش می‌کند به جای تأکید بر یک واقعه، چند مورد را برای تطبیق بیابد تا به کمک مقایسه، در مقام بهتری برای آزمودن فرضیه‌ی علی خود باشد. مشکل دیگر، ترکیب‌های بسیار متفاوت عوامل علی و کمبود موارد تاریخی کافی برای انجام مقایسه‌های کامل میان ترکیب‌های متفاوت ذکر شده است»^۴.

مشکل اساسی، وجود فرضیه‌های پیشینی است که بدون مطالعه‌ی کافی، طراحی می‌شوند و مسیر پژوهش را به دلخواه خود تعیین می‌کنند؛ و گرنه این نکته پذیرفتنی است که در تحقیقات تاریخی، فرضیه‌ها به طور صریح بیان نمی‌شوند و به طور ضمنی در نظر هستند. مورخ، با جمع‌آوری شواهد، صحت آنها را به دقت ارزشیابی می‌کند. اگر شواهد جمع‌آوری شده، با پیامدهای فرضیه، هماهنگ باشند، فرضیه تأیید می‌شود.^۵

۱. ترز بیکر ۱۳۸۶. نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه‌ی هوشنگ نایی، تهران: نشر نی، صص ۳۳۰-۳۳۲.

۲. گال؛ بورگ؛ گال، منبع پیشین، ص ۱۱۳۸.

۳. ازل بی ۱۳۸۶. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی رضا فاضل، جلد دوم، تهران: سمت، چاپ چهارم، ص ۶۸۷.

۴. کاووس سیدامامی ۱۳۸۶. پژوهش در علوم سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و دانشگاه امام صادق، ص ۴۱۷.

۵. جان بست ۱۳۸۱. روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری، ترجمه‌ی حسن پاشاشریفی و نرگس طالقانی، تهران: رشد، چاپ نهم، ص ۱۸۱.

۳. پژوهش‌های کیفی

پژوهش تاریخی، جزئی از سنت پژوهش کیفی است. اما، تاریخ‌دانان جوان، به جذابیت فزاینده‌ی تنوع‌های متدولوژیک برخی شاخه‌های علوم انسانی، غبطه می‌خورند و می‌کوشند روش‌شناسی‌های گوناگون را به درون تاریخ بکشانند. در پژوهش‌های کیفی، دانش، از طریق گردآوری داده‌های کلامی و متنی، مطالعه‌ی جدی و عمق این داده‌ها و نیز عرضه به استقرای تحلیلی فراهم می‌آید. پژوهش کیفی، نقش اکتشافی دارد، نه تأییدی؛ مبتنی بر تفسیر معانی داده‌هاست؛ در آن، فرض می‌شود که واقعیت اجتماعی به دست مشارکت‌کنندگان در آن، ساخته می‌شود؛ در تبیین روابط علی میان پدیده‌های اجتماعی، نقشی عمده به مقاصد بشری داده می‌شود؛ موارد، مطالعه می‌شوند؛ معناهایی را که افراد می‌آفرینند و پدیده‌های درونی دیگر را مطالعه می‌کنند؛ و مهم‌تر از همه آنکه «بعد از آنکه داده‌ها، گردآوری شدند، مفاهیم و نظریه‌هایی را کشف می‌کنند».^۱

بنابراین، دست کم در پژوهش‌های کیفی، فرضیه‌ها، پسینی‌اند، نه پیشینی. مارشال و راس‌من نیز تجزیه و تحلیل تاریخی را جزو پژوهش‌های کیفی قلمداد کرده‌اند که «به ویژه در موردی مفید است که پژوهشگر می‌کوشد در زمینه‌ای ناآزموده، دانشی کسب کند و پرسش‌هایی را که به آنها پاسخ قطعی داده نشده است، یک بار دیگر بررسی نماید. با استفاده از تحقیق تاریخی، می‌توان صحت گفتار گذشته را تأیید کرد، بین رویدادها، رابطه‌ی علت و معلولی برقرار ساخت و چنین رابطه‌ای را شناسایی نمود. در واقع، بسیاری از روش‌های تحقیق، بر پایه‌ی تاریخ یا محتوا قرار دارند، بنابراین تجزیه و تحلیل منظم تاریخی، موجب افزایش درجه‌ی اعتبار و اعتماد تحقیق می‌شود».^۲ تاریخ، از این جهت، مادر پژوهش در علوم انسانی است و وظیفه‌ی اساسی تهیه‌ی داده‌های صحیح را بر عهده دارد.

دقت کنیم که تاریخ‌دانان چه خدمت بزرگی به رشته‌های علوم انسانی می‌کنند: «فاصله گرفتن از موضوع، تجزیه و تحلیل انتقادی شرایط، تشخیص پیش‌داوری‌ها،

۱. مردیت گال؛ والتربورگ؛ جویس گال ۱۳۸۷. روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، ترجمه‌ی احمدرضا نصر و دیگران، جلد اول، تهران: سمت، چاپ چهارم، ص ۶۳.

۲. کاترین مارشال؛ گرچن راس من ۱۳۸۶. روش تحقیق کیفی، ترجمه‌ی علی پارسایان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ سوم، صص ۱۲۵-۱۲۶.

اجتناب از ارزش‌داوری‌ها، کسب اطلاعات معتبر و قابل اعتماد، و تفکر انتزاعی^۱. اگر شواهد معتبر موجود نباشد، اهالی علوم انسانی می‌خواهند متدولوژی گوناگون خود را درباره‌ی کدام پدیده‌ها به کار برند و چگونه می‌خواهند پدیدارهایی را که از همان آغاز، نمی‌دانند درست است یا نادرست تفسیر نمایند. بنابراین، «تعبیری بودن و پرداختن به عناصر معنی‌دار و تجزیه و تحلیل و تبیین استوار بر درک محتوا و پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های موضوع‌های مورد پژوهش»،^۲ همگی، نمایانگر طولانی بودن روند پژوهش در تحقیق کیفی است؛ و نشانگر آن نیست که با ساختن یک فرضیه‌ی پیشینی - که هنوز معلوم نیست از کدام منبع درست یا نادرست فرضیه‌سازی بیرون تراویده است - بتوان آغاز یک پژوهش تاریخی را نوید داد.

پژوهش کیفی، پیچیده است؛ زیرا برسازی معنا، کاری مشکل است؛ مکانیکی یا فنی نیست، بلکه فرآیندی از استدلال استقرایی، تأمل و نظریه‌پردازی است. پیچیدگی رویدادهای تاریخی به کنار، فرآیند تبدیل داده‌های کیفی خام به یافته‌ها، نوعی ترکیب تحلیلی پیچیده و چندوجهی از علم، هنر خلاق و تفکر شخصی است که سرسازگاری با ساده‌گیری در فرضیه‌پردازی ندارد.

در پژوهش کیفی، از چند تکنیک، بهره‌گیری می‌شود. این گونه پژوهش‌ها، فرآیندی تعاملی و فرآورده‌ای کولاژگونه دارد و در آن، نکثر روش‌شناختی، رواج می‌یابد؛ زیرا از مصاحبه و مشاهده و از تفسیر اسناد شخصی و تاریخی بهره گرفته می‌شود. همچنین این نوع پژوهش‌ها، از تعامل تاریخ، زندگی‌نامه، جنسیت، طبقه‌ی اجتماعی، نژاد و قومیت پژوهشگر و کسانی که در موقعیت مورد بررسی هستند، شکل می‌گیرد. حاصل کار، نشانگر محصولی پیچیده از پدیده‌ی مورد بررسی است و نمایانگر تفسیرهای به دست‌آمده‌ی محقق از جهان مورد پژوهش است. اگر بخواهیم تحلیل تاریخی، امکان فراتر رفتن «از حیطه‌ی زمان خود»^۳ را به پژوهشگر بدهد، باید بپذیریم که دیگر نمی‌توان پژوهش تاریخی را به متدولوژی‌هایی محدود نمود که در دیگر رشته‌های علوم

۱. آنسلم استراس؛ جولیت کوربین ۱۳۸۷. اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌ی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها،

ترجمه‌ی بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، ص ۱۸.

۲. بیوک محمدی ۱۳۸۷. درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، صص ۲۴-۲۵.

۳. خدیجه سفیری ۱۳۸۷. روش تحقیق کیفی، تهران: پیام پویا، ص ۲۳۹.

انسانی کاربرد یافته‌اند. راه درست، بازگشت به همان کارویژه‌ی فراهم‌آوری داده‌های درست است که تاریخ بر عهده داشته. اگر سه عمل «کاهش، دست‌چین، جداسازی»^۱ را گام پنجم پژوهش کیفی به حساب آوریم، باید در نظر داشته باشیم که هیچ یک از مراحل، بر وجود فرضیه پیشینی مبتنی نیست؛ نه در مرحله‌ی جمع‌آوری داده‌ها، نه در کدگذاری و رمزگذاری، نه در مقایسه‌ی داده‌های کدگذاری شده، نه در تولید مفهوم بر اساس داده‌های کدگذاری شده، و نه در مرحله‌ی آخر.

نظریه‌پردازی داده‌محور، برخلاف فرآیند تحقیق خطی و نشأت‌گرفته از نظریه، به جای پیش‌فرض‌های نظری، به داده‌ها و میدان مورد مطالعه، اولویت می‌دهد. نظریه‌ها را نباید بر افراد مورد مطالعه (سوژه‌ها) اعمال کرد، بلکه نظریه‌ها از طریق کار روی داده‌ها و در میدان، کشف و صورت‌بندی می‌شوند. در اینجا، فرض بر این است که محقق باید دانش نظری پیشینی را که با خود به میدان می‌آورد، دست‌کم، موقتاً کنار بگذارد. به تأخیر انداختن ساختاربندی، به معنای دست برداشتن از صورت‌بندی پیشینی فرضیه‌هاست.^۲

۴. فرضیه در پژوهش تاریخی

پژوهش تاریخی، مبتنی بر دیدگاهی ویژه است: تاریخ، نقشی قبلی ندارد؛ در تاریخ، هیچ چیز را نمی‌توان پیش‌بینی کرد. اگر در ضمن مطالعه و کنجکاوی، چیزی کشف شد مغتنم است؛ چنان‌که صنعتگر و شاعر این گونه‌اند. آن لطایفی که اصل شعر و صنعت است، از نقشه بیرون نمی‌آید، الهامی است؛ در تاریخ نیز اتفاقی است. محقق، اسناد را می‌خواند، نکته‌ای توجه او را جلب می‌کند، هزاران نکته از نظر او دور می‌ماند. جالب بودن و جالب نبودن نکات نیز به سابقه‌ی ذهنی و ساختمان فکری و اغراض شخصی و اجتماعی مورخ، بسته است.^۳ در این میان، مورخ نه غلام حلقه به گوش و نه فرمانروای خودکام امور واقع است. رابطه‌ی مورخ و واقعیاتش، برابری و داد و ستد استوار است. مورخ به طور مداوم، دست در سرشتن واقعیات به قالب تفسیرات، و تفسیرات به قالب واقعیات دارد.^۴

۱. روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تأکید بر علوم تربیتی، صص ۱۴۱-۱۴۲.

۲. اووه فلیک ۱۳۸۷. درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی، صص ۱۰۸-۱۰۹.

۳. رشید یاسمی ۱۳۱۶. آیین نگارش تاریخ، بی‌جا، شرکت سهامی چاپ، ص ۹۰.

۴. ادوارد هالت کار ۱۳۷۸. تاریخ چیست؟، ترجمه‌ی حسن کامشاد، تهران: خوارزمی، چاپ پنجم، ص ۵۹.

بنابراین، مورخ در پژوهش تاریخی، خود به خود نقش مهمی دارد و حق ندارد هر چیزی را در متن پژوهش بیاورد. پژوهش تاریخی، معمولاً هنگامی آغاز می‌شود که مورخان می‌خواهند چیزهای بیشتری درباره‌ی دوره یا مرحله‌ای که در مورد آن به اندازه‌ی کافی مطالعه کرده‌اند بدانند. این پژوهش، همیشه با پرسش‌های معینی آغاز می‌شود که مورخان درباره‌ی چیزی می‌پرسند که تاکنون عقیده داشتند در گذشته رخ داده است. مورخان، با پرسش‌هایی که در ذهن دارند، شواهدی را جست‌وجو می‌کنند که انتظار دارند بتوانند اطلاعات مورد نیاز خود را از آن استنباط کنند. آنها برای تفسیر آن شواهد، هم به شناخت خود از رویدادهای خاص شکل گرفته در دوره‌ی مورد بررسی، متوسل می‌شوند، و هم به شناخت خود از فرآیندهایی که در آن دوره وجود داشته است.^۱

اما رشته‌ی تاریخ، سامانی دیگر دارد: برخی دانش‌ها و معرفت‌ها، با گردآوری مشاهدات درباره‌ی نوع معینی از رخدادها، سازمان می‌یابند و مشاهده‌پذیر می‌شوند؛ برخی معرفت‌ها، در شرایط دقیقاً کنترل‌شده‌ای، داده‌های متناسب به خود را ایجاد می‌کنند و سازمان می‌یابند. برخی دیگر از دانش‌ها، با ایجاد فرضیه‌هایی خاص و حرکت با نهایت دقت و با استدلال و در جهت استخراج نتایج خاص، صورت می‌پذیرند. به تعبیر کالینگوود «در تاریخ، به هیچ یک از این طریقه‌ها، سازمان داده نمی‌شود».^۲ جدانوازی و بداهه‌سازی، تاریخ را بر صدر علوم انسانی نشانده است. این همه نیز متکی به کار و حرفه‌ی مورخ است. مورخ با گزیده‌ای اولیه از امور واقع و نیز تفسیری اولیه، که در پرتو گزیده‌ی فوق، به همت خودش یا دیگران به دست آمده است، شروع به کار می‌کند. همچنان که پیش می‌رود، تفسیر و گزیده و تقدم و تأخر واقعیات، از طریق عمل متقابل یکی بر دیگری، دستخوش تغییرهای ظریف و شاید تا حدی ناهشیار می‌شود. این عمل متقابل، رویارویی حال و گذشته را نیز شامل می‌گردد؛ چون مورخ، جزو حال است و امور واقع، متعلق به گذشته. مورخ و امور واقع تاریخ، لازم و ملزوم یکدیگرند. مورخ، بدون واقعیاتش بی‌ریشه و عبث است؛ و امور واقع نیز بدون مورخ خویش، مرده و بی‌معنایند. تاریخ کنش و واکنش مداوم مورخ و امور واقع نسبت به یکدیگر است، و گفت‌وشنود بی پایان حال و گذشته.^۳

۱. سی بین مکالا ۱۳۸۷. بنیادهای علم تاریخ: چیستی و اعتبار شناخت تاریخی، ترجمه‌ی احمد گل محمدی، تهران: نشر نی، ص ۸۵

۲. رابین جورج کالینگوود ۱۳۸۵. مفهوم کلی تاریخ، ترجمه‌ی علی اکبر مهدیان، تهران: اختران، ص ۳۱۶.

۳. تاریخ چیست؟، ص ۵۹.

در برخی پژوهش‌های تاریخی، مورخ، بر گواهی‌های مراجع متکی است. در این زمینه، دشواری ویژه‌ای پدیدار می‌گردد: مورخ در این نقل قول‌ها، چیزی مناسب مقصود خود یافته است، آن را از متن جدا، و در صورت لزوم ترجمه می‌کند و به سبکی که مناسب می‌داند، باز می‌ریزد و به تاریخ خود می‌افزاید. قاعدتاً وقتی او اظهارات فراوانی برای مراجعه به آنها داشته باشد، درخواهد یافت که یکی از آنها، چیزی به او می‌گوید که دیگری نمی‌گوید؛ پس، هر دو یا همه‌ی آنها را اضافه می‌کند. گاهی یکی از آنها، دیگری را نقض می‌کند. در این صورت، اگر نتواند طریقی برای آشتی آنها بیابد، باید تصمیم بگیرد یکی را کنار بگذارد و این، چنانچه شعور داشته باشد، او را درگیر ملاحظه‌ی انتقادی درجه‌ی نسبی قابلیت اعتماد مراجع ضد و نقیض می‌سازد. من، تاریخ بنا شده از قطعات گواهی مراجع گوناگون و ترکیب آنها را با هم، تاریخ سرهم‌بندی شده می‌خوانم.^۱ تاریخ، چه نوع چیزهایی را کشف می‌کند؟ کالینگوود نوشته است: من پاسخ می‌دهم، کرده‌ها؛ افعال آدمیان که در گذشته انجام شده است. این پاسخ، پرسش‌های دیگری پدید می‌آورد که بسیاری از آنها مجادله‌انگیز است، اما هر گونه به آنها پاسخ داده شود، پاسخ‌ها، اعتبار این قضیه را نفی نمی‌کند که تاریخ، علم کرده‌ها، تلاش برای پاسخ دادن به پرسش‌های مربوط به افعال آدمیان، در گذشته است.^۲ یاسپرس سخنی دیگر می‌گوید: این سؤال که «آن چیست در تاریخ که واقعاً تاریخی است و تحقیقی از ابدیت است» سبب می‌شود که ما در جستجوی آن برآییم و بکشیم رؤیتش کنیم. ولی ما هرگز نمی‌توانیم درباره‌ی تمام یک پدیده‌ی تاریخی حکم قطعی بدهیم؛ زیرا خدا نیستیم که بتوانیم داوری کنیم، بلکه آدمیانی هستیم که چشم و گوشمان را باز کرده‌ایم تا از تاریخت بهره‌ور شویم و از این‌رو، هر چه بیشتر می‌فهمیم، بیشتر به حیرت می‌افتیم.^۳ توین بی نیز پذیرای همین نکته است: تاریخ آن است که مورخان می‌نویسند، نه آنچه واقعاً روی داده است؛ چون فرآیند ادراکی مورخ، تنها عاملی است که به انبوه پراکنده‌ی واقعیات، مفهوم می‌بخشد.^۴ مورخان، مدعی نیستند، بلکه توصیف رویدادهای تاریخی بر پایه‌ی

۱. مفهوم کلی تاریخ، صص ۳۲۶/۳۲۵.

۲. همان، ص ۱۷.

۳. کارل یاسپرس ۱۳۶۳. *آغاز و انجام تاریخ*، ترجمه‌ی محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی، ص ۳۱۳.

۴. آرنولد توین بی ۱۳۷۰. *مورخ و تاریخ*، ترجمه‌ی حسن کامشاد، تهران: خوارزمی، ص ۲۴.

شواهد درست، در دسترس و سپس تفسیر ماهیت آنها، کار مورخان است. این دسترسی، بر علم غیب یا نوعی سحر و جادو متکی نیست، بلکه مورخان ادعا می‌کنند که «توصیف‌های تاریخی، بخشی از یک تبیین عالی درباره‌ی شواهد در دسترس آنان، یا در واقع بخشی از بهترین تبیین قابل تصور»^۱ است.

اما پیش شرطی هم وجود دارد: باید بدون تعصب، به داده‌ها نزدیک شد؛ حقایق مسلم، باید به روشنی از آراء، تفکیک داده شوند؛ شواهد باید تنها از شاهد بی‌طرف پذیرفته شود و به موقع، مورد تحلیل منتقدانه قرار گیرد؛ با سرکوب درست تعصبات شخصی، باید عینی‌گرایی را حفظ کرد و گزارشی که سپس به روی کاغذ می‌آید، باید موشکافانه باشد.^۲ ولی راه وصل به حقیقت تاریخی، صعب است؛ معرفت تاریخی، مبتنی بر تفسیر شواهد است. هیچ راهی برای دست یافتن به گذشته، به جز از طریق آنچه در زمان حاضر باقی است، وجود ندارد؛ و این، شامل ویرانه‌ها، اسناد و مدارک، خاطرات و چیزهای دیگر می‌شود. همچنین از آنجا که افراد، غالباً درباره‌ی تفسیر شواهد موجود، اختلاف نظر دارند، باید نتیجه گرفت که در بسیاری موارد، معرفت تاریخی، چیزی بیشتر از در نظر گرفتن و سنجش احتمالات نیست.^۳

سر و کار تاریخ و مورخ با چیست؟ به نظر می‌رسد، تاریخ برخلاف علوم طبیعی، در پی اصول و قواعد کلی حاکم بر رویدادها نیست، بلکه با مسیر دقیق رویدادهای منفرد و مستقل سر و کار دارد و مورخ می‌کوشد این‌گونه رویدادها را بازگوید.^۴ شاید در فرآیند پژوهش‌ها در علوم انسانی، بتوان از یک طرح‌واره‌ی مشترک، بهره گرفت؛ فرآیند پژوهش که هم با استدلال و هم با تجربه، امکان‌پذیر است، برنامه‌ای است که دانشمندان برای تولید معرفت از آن بهره می‌گیرند. فرآیند پژوهش، الگوی تحقیق علمی و بر هفت مرحله‌ی اصلی استوار است: «مسئله، فرضیه، طرح پژوهش، اندازه‌گیری، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و تعمیم داده‌ها که هر گام، بر نظریه تأثیر می‌گذارد و از

۱. بنیادهای علم تاریخ: چستی و اعتبار شناخت تاریخی، ص ۳۸.

۲. بورلی سانگیت ۱۳۷۹. تاریخ: چیست و چرا؟ دورنمای‌های باستانی، مدرن، و پست مدرن، ترجمه‌ی رؤیا منجم، تهران: نگاه سبز، صص ۳۰/۲۹.

۳. مایکل استفورد ۱۳۸۴. درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه‌ی مسعود صادقی، تهران: سمت و دانشگاه امام صادق، ص ۱۹۰.

۴. علی حقی ۱۳۷۱. "آیا تاریخ می‌تواند علم باشد؟"، مطالعات تاریخی، سال ۴، شماره‌های ۱ و ۲، پیاپی ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۷۱، ص ۳۷.

آن، اثر می‌پذیرد»^۱. اما برخی رشته‌ها، ماهیتاً نمی‌توانند بعضی موارد را بپذیرند: یکی از عناصر اصلی کار تحقیقی، مشاهده است، در همه‌ی دانش‌ها، مشاهده مبنای آگاهی‌ها و اطلاعات درباره‌ی فرآیندها و رویدادهاست. مشاهده‌ی علمی ثمربخش، از یک سو، باید «قصد قبلی»^۲ داشته باشد؛ یعنی برای مسئله‌ی پیشاپیش پیش‌بینی‌شده و معین و منظم و با هدف مشخص و سیستماتیک به کار رود؛ و دیگر آنکه، بتوان به جداسازی و بازسازی رویداد تاریخی دست یازید. ماهیت متفاوت علوم، ناهمانندی‌هایی اساسی را در شیوه پژوهش، به ارمغان می‌آورد: شیوه‌ی پژوهش در علوم تجربی، بر گام‌هایی استوار است که از مشاهده‌ی ساده و فرضیه‌سازی و تجربه یا مشاهده و آزمایش، آغاز می‌شود و تجربه و ممارست‌های عینی در کار بررسی درستی یا نادرستی فرضیه، اثبات فرضیه و ابراز احتمالی یک قانون^۳ به کار می‌رود. اما در بررسی‌های تاریخی، امکان تکرار مشاهده‌ها و بازسازی تجربه‌ها، ناممکن است.

از یک سو، پرسش‌های یک پژوهش، کمک‌کار محقق است تا او بهتر بتواند بر موضوع پرتوافکنی کند. پرسش‌های موجود در پژوهش‌های تاریخی، با عطف توجه به این موضوع که «در هنگام مطالعه‌ی متون تاریخی، همواره باید پنج سؤال کی؟ کی؟ کجا؟ چگونه؟ چرا؟»^۴ را در نظر آورد، به پنج پرسش کیستی، چیستی، زمانی، مکانی و چرایی، گروه‌بندی می‌شوند. از دیگر سو، نگارش یک پژوهش تاریخی نیز به چهار سیاق، ممکن است: توصیفی، روایی/نقلی، تحلیلی، و چرایی. در واقع، توصیف، بازگویی تجربه‌های حسی محیط اطراف است. در روایت و نقل، نوعی داستان‌نویسی یا داستان‌سرایی معطوف به واقعیت، موجودیت می‌یابد که در آغاز، با طرح یک مشکل و دغدغه، همزاد می‌شود. در روش تحلیلی، توضیح و تحلیل یک پیوند علی و دالی، مطمئن نظر قرار می‌گیرد، و در چرایی، نویسنده به موضع‌گیری در یک موضوع بحث‌انگیز و جنجالی^۵ دست می‌زند. سطح تحلیل نیز متفاوت است: واحدهای صحیح

۱. چاوا فرانکفورد؛ دیوید نچمیاس ۱۳۸۱. روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش، ص ۳۱.

۲. ن. آ. یروفه یف، بی‌تا. تاریخ چیست؟، ترجمه‌ی محمدتقی زاد، بی‌جا، جوان، ص ۱۴.

۳. م. ذاکر بی‌تا. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ، بی‌جا، آیت، ص ۱۹.

۴. مرتضی نورایی {تألیف و ترجمه} ۱۳۸۷. راهنمای نگارش در تاریخ، دستنامه تحقیق برای دانشجویان، مشهد: جهاد دانشگاهی، ص ۴۵.

۵. همان، صص ۶۳/۷۲.

بررسی تاریخی، ملت‌ها هستند، دوره‌ها نیستند؛ بلکه جامعه‌ها هستند.^۱ بنابراین، فرضیه‌پردازی به معنای معمول موجود در روال‌های پژوهشی در علوم اجتماعی، در انتظام آکادمیک تاریخ، دچار مشکل می‌شود. در مطالعات تاریخی، بر سر راه تشکیل فرضیه دو مشکل وجود دارد: یکی اینکه چون ممکن است اطلاعات تازه‌ای درباره‌ی رویدادهای مورد مطالعه به دست آید، پژوهنده‌ای که روش تاریخی را برگزیده است، نمی‌تواند با اطمینان به روابط واقعی رویدادها، اظهار نظر کند. دیگر اینکه چون احتمال دارد که تحقیقات آینده بر کمیت و کیفیت وقایع و حقایق شناخته‌شده‌ی مربوط به رویداد مورد مطالعه بیفزاید، تصمیم‌گیری درباره‌ی مقدار یا حجم شواهد و مدارک در یک مطالعه‌ی تاریخی، مشکل است.^۲ بنابراین، هدف تاریخ‌نگاری علمی، این است که هر چه بیشتر از مرحله‌ی وقایع‌نگاری و توصیف صرف، فاصله بگیرد و به صورت روشمند، به تاریخ بنگرد. آنچه تاریخ‌نگاران در صدد آنند، بازگویی وقایع از هم گسسته نیست، بلکه شرحی منظم و منسجم است که در آن، رخدادها به گونه‌ای قرار می‌گیرد که گویی در جایگاه واقعی و طبیعی خود قرار گرفته و هر یک از آنها، جزئی از یک کل قابل درک را شکل داده است.^۳

این درست است که فرضیه، در همه‌ی انواع پژوهش، به ویژه تحقیقات توصیفی، کاربرد ندارد و صرفاً در پژوهش‌های تاریخی، تحلیلی و تبیینی می‌توان آن را به خدمت گرفت. شاید همین امر، یکی از وجوه عمده‌ی تمایز میان تحقیقات تاریخی / توصیفی (نقلی، روایی، وقایع‌نگارانه) از تاریخ تبیینی (علمی، عقلی، تحلیلی) باشد.^۴ اما نکته‌ی مهم این است که فرضیه، در پژوهش‌های تاریخی چگونه ساخته می‌شود؟ یکی آنکه اگر ماهیت پژوهش در تاریخ به دلیل ماهیت و محتوای کلی متفاوت تاریخ، با دیگر منش‌های پژوهشی، ناهم‌اند باشد، چگونه می‌توان از «قیاس با نظرات مشابه، تهیه‌ی پیش‌فرض‌ها، مطالعه و ارزیابی دیدگاه‌های پیشینیان در ارتباط با موضوع، و یا از طریق پاسخ‌گویی به سؤالات فرعی و ترکیب همه‌ی پاسخ‌ها در جملات و تعابیر فشرده و

۱. آرنولد توین بی ۱۳۵۶. تحقیقی در باب تاریخ، ترجمه‌ی ع. وحید مازندرانی، تهران: توس، چاپ دوم، ص ۱۲.

۲. محمد حسین دیانی ۱۳۶۸. "نکات اساسی در تحقیقات تاریخی"، مطالعات تاریخی، سال اول، شماره ۲، پیاپی ۲، تابستان ۱۳۶۸، ص ۱۶۷.

۳. علیرضا ملایی توانی ۱۳۸۶. درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ، تهران: نشر نی، ص ۳۸.

۴. همان، ص ۷۴.

متراکم)،^۱ فرضیه ساخت؟ دیگر آنکه تاریخ، سروکار با داده‌ها است و تا داده‌ها تمیز داده نشود و در یک پژوهش کیفی، غربال نگردد و نادرست‌ها حذف نشود، امکان پژوهش وجود ندارد. تاریخ، بر داده‌هایی بی‌شمار، زمانمند و مکانمند در ادوار مختلف، مبتنی است. اسیر کردن آنها در کالبد فرضیه‌های با دامنه‌ی محدود، نادرست است. جذابیت متدولوژیک برخی رشته‌های علوم انسانی، نباید معیار فرضیه‌سازی در تاریخ قرار گیرد. به واژگان موجود در فرضیه‌های زیر دقت کنید:^۲

الف) فرضیه‌ی اصلی

بحران‌های سیاسی مشروعیت و مشارکت که در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد دامنگیر نظام شاهنشاهی شده بود، علت اصلی تشکیل احزاب گوناگون دولتی به شمار می‌رفت.

ب) فرضیه‌ی مکمل یا فرعی

هدف از تشکیل احزاب دولتی، نمایش چهره‌ی دموکراتیک از حکومت در نظام بین‌المللی و مهار یا سرکوب اپوزیسیون در داخل بود.

پ) فرضیه‌ی رقیب یا جانشین

احزاب دولتی یکی از منابع عمده‌ی جامعه‌پذیری سیاسی بود و می‌توانست با کانالیزه کردن مخالفت‌های سیاسی، از یک‌سو مانع شکل‌گیری مراکز قدرت علیه شاه شود، و از سوی دیگر، به توسعه‌ی سیاسی کشور بینجامد.

کدام یک از این واژگان، تاریخی است؟ بحران سیاسی، مشارکت، مشروعیت، نظام شاهنشاهی، احزاب، احزاب دولتی، دموکراسی، نمایش دموکراتیک، نظام بین‌المللی، اپوزیسیون، جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری سیاسی، مخالفت سیاسی، قدرت، شکل‌گیری مراکز قدرت، توسعه، توسعه‌ی سیاسی، کشور.

می‌توان نشان این واژگان را در علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی سیاسی، علوم اجتماعی، و جغرافیای سیاسی پی‌گیری نمود، ولی آیا سبب برتری آنها بر تاریخ نمی‌شود؟

۱. همانجا.

۲. همان، ص ۷۷.

نتیجه‌گیری

به طور معمول، گفته می‌شود پژوهشگر پس از آنکه مسئله‌ی پژوهش را برای خود تصویر نمود، پاسخی موقت و مبتنی بر گمان فراهم می‌آورد. می‌توان پذیرفت که بنیان گرفتن فرضیه بر پایه‌ی داده‌های نادرست، پژوهش را دچار اعوجاج می‌کند؛ این پرسش نیز به کنار که از کجا و چگونه و با بهره‌گیری از کدام روش، فرض گرفته شده است که برخی داده‌ها نادرست است و ملاک نادرستی آن، از چه شیوه‌ای به دست آمده است. می‌ماند ارائه و صورت‌بندی فرضیه، بر پایه‌ی داده‌های درست: پرسش اینجاست که با بهره‌گیری از کدام روش‌ها و با طی کدام مراحل و گام‌های تحقیقی، داده‌ی درست از داده‌ی نادرست تمیز داده شده است؟ بنابراین، در تاریخ، فرضیه تا وقتی معلوم شود که کدام داده‌ها صحیح است، و کدام سقیم، پا نمی‌گیرد. ملاک خردمندانه بودن حدس چیست؟ مگر جز آن است که باید مطابق واقع باشد؟ ملاک مطابقت داده با واقع چیست و چگونه کسب می‌شود؟ حدسی که بنیان فرضیه است باید به انتظار محقق پاسخ دهد. در تاریخ، انتظار پژوهشگر، برتر است یا واقعیت داده‌ها؟ ملاک کهنتری و مهتری هر کدام از آنها چیست؟ آیا توقع محقق، داده‌ها را جهت‌دار و یکسویه نمی‌کند؟ تازه، در تاریخ، از کدام یک از فرضیه‌های گوناگون باید بهره گرفت؟ به چه دلیل؟ ملاک برتر شمردن و گزینش یکی از آنها چیست و چه معیاری برای مردود شمردن بهره‌گیری از انواع فرضیه‌های دیگر وجود دارد؟ باید مواظب بود؛ چراکه فرضیه، تیغ دو دم است، بیش از آنکه نافع باشد مضر است. وظیفه‌ی رشته‌ی تاریخ، فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای فرضیه‌پردازی خردمندانه در سایر رشته‌های علوم انسانی است.

پی‌نوشت

الف) برای شناخت سیر تاریخی چگونگی تکامل معرفت تاریخی، رک:

Arthur Marwick, 2001, *The New Nature of History*, Hampshire, Palgrave, PP 51/150 .

ب) برای پژوهش در باب روش‌ها و رهیافت‌های گوناگونی که تاکنون در عرصه‌ی تاریخ‌پژوهی پدید آمده است، رک:

Adam Budd, 2009, *The Modern Historiography Reader Western Sources*, New York, Routledge.

پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ ۷۱

در این کتاب، در هر موضوع و زمینه‌ای که در عرصه‌های مختلف تاریخ پژوهی به کار می‌آید، از نام‌آورترین نویسندگان، مکتوبی آورده شده است.

پ) تفاوت در مکاتب تاریخ‌نگارانه را - برخلاف گفته‌ی «جی. بی. بری» که تاریخ را به سادگی یک علم، نه کمتر، نه بیشتر نامیده بود - می‌توان در این منبع مطالعه نمود:

Robert Harrison; Aled Jones; Peter Lambert, 2004, "Methodology: Scientific history and the problem of objectivity", cited in Peter Lambert; Phillip Schofield, *History: an introduction to the history and practices of a discipline*, New York, Routledge, pp. 26/37 .

ت) جرج نوک، هنگامی که از شاخه‌های یونانی تفکر در باب تاریخ نام می‌برد، حتی در همان زمان، از تئوری‌های گوناگونی چون نظریه‌ی خدای بزرگ، نظریه‌ی انسان بزرگ، نظریه‌ی ذهن کبیر، نظریه‌ی بهترین مردم، و نظریه‌ی طبیعت بشر، سخن به میان می‌آورد. رک:

George Novack, 1995, *History Marxist Essays*, New York, Pathfinder, third printing, pp. 18-20 .

منابع

استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت ۱۳۸۷. *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌ی مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه‌ی بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.

استنفورد، مایکل ۱۳۸۲. *درآمدی بر فلسفه‌ی تاریخ*، ترجمه‌ی احمد گل محمدی. تهران، نشرنی. استنفورد، مایکل ۱۳۸۴. *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه‌ی مسعود صادقی، تهران، سمت و دانشگاه امام صادق.

اسکاجیول، تدا ۱۳۸۸. *بیش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه‌ی سید هاشم آقاجری، تهران، نشر مرکز.

بارزان، ژاک؛ گراف، هنری فرانکلین ۱۳۸۵. *پژوهشگر نوین: روش پژوهش و گزارش*، ترجمه‌ی مجید خیام دار و مریم جابر، تهران، سمت.

بی، ارل ۱۳۸۶. *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: نظری/علمی*، ترجمه‌ی رضا فاضل، تهران، سمت. بست، جان ۱۳۸۱. *روش‌های تحقیق در علوم تربیتی و رفتاری*، ترجمه‌ی حسن پاشا شریفی و نرگس طالقانی، تهران، رشد، چاپ نهم.

بلیکی، نورمن ۱۳۸۷. *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران، نشرنی، چاپ دوم. بنتلی، میشل ۱۳۸۵. "بحران در روش"، ترجمه‌ی علیرضا ملایی توانی، *نامه‌ی تاریخ‌پژوهان*، سال ۲، شماره‌ی ۶، تابستان ۱۳۸۵، صص ۳۵/۱۸.

بیکر، ترز ۱۳۸۶. *نحوه‌ی انجام تحقیقات اجتماعی*، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران، نشر نی. ثواقب، جهانبخش ۱۳۸۵. *روش تحقیق با تأکید بر تاریخ*، شیراز، نوید شیراز.

۷۲ دشواری کاربست فرضیه در پژوهش‌های تاریخی

- توکلی، فائزه ۱۳۸۷. "ضرورت بازاندیشی تاریخ و کارکرد آن در علوم انسانی: درک گذشته، تأثیر بر آینده"، *نامه‌ی تاریخ پژوهان*، سال ۴، شماره‌ی ۱۶، زمستان ۱۳۸۷، صص ۴۶/۲۹.
- توین بی، آرنولد ۱۳۵۶. *تحقیقی در باب تاریخ*، ترجمه‌ی ع. وحید مازندرانی، تهران، توس، چاپ دوم.
- توین بی، آرنولد ۱۳۷۰. *مورخ و تاریخ*، ترجمه‌ی حسن کامشاد، تهران، خوارزمی.
- حسن‌زاده، رمضان ۱۳۸۷. *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، ساوالان، چاپ ششم.
- حقی، علی ۱۳۷۱. "آیا تاریخ می‌تواند "علم" باشد؟"، *مطالعات تاریخی*، سال ۴، شماره‌های ۱ و ۲، پیاپی ۱۳ و ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۷۱، صص ۵۱/۳۳.
- خاکی، غلامرضا ۱۳۸۷. *روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی*، تهران، بازتاب، چاپ چهارم.
- دلاور، علی ۱۳۸۵. *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران، ویرایش، ویراست چهارم، چاپ بیستم.
- دوروزه، موریس ۱۳۷۵. *روش‌های علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی خسرو اسدی، تهران، امیر کبیر، چاپ سوم.
- دیانی، محمد حسین ۱۳۶۷. "نکات اساسی در تحقیقات تاریخی"، *مطالعات تاریخی*، سال اول، شماره‌ی ۲، پیاپی ۲، تابستان ۱۳۶۸، صص ۱۶۸/۱۵۹.
- ذاکر، م. (بی‌تا). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ*، بی‌جا، آیت.
- زرین کوب، عبدالحسین ۱۳۷۰. *تاریخ در ترازو*، تهران، امیر کبیر، چاپ سوم.
- سائگیت، بورلی ۱۳۷۹. *تاریخ: چیست و چرا؟*، ترجمه‌ی رؤیا منجم، تهران، نگاه سبز.
- ساروخانی، باقر ۱۳۸۵. *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول: اصول و مبانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوازدهم.
- سفیری، خدیجه ۱۳۸۷. *روش تحقیق کیفی*، تهران، پیام پویا.
- سیدامامی، کاووس ۱۳۸۶. *پژوهش در علوم سیاسی*، تهران، پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی و دانشگاه امام صادق.
- فرانکفورد، چاو؛ نجمیاس، دیوید ۱۳۸۱. *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران، سروش.
- فلیک، اووه ۱۳۸۷. *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
- قائم مقامی، جهانگیر ۱۳۵۸. *روش تحقیق در تاریخ نگاری*، تهران، دانشگاه ملی ایران.
- کار، ادوارد هالت ۱۳۷۸. *تاریخ چیست؟ ترجمه‌ی حسن کامشاد*. تهران: خوارزمی، چاپ پنجم.
- کازی، پل ۱۳۸۶. *پایه‌های پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه‌ی حجت‌ا... فراهانی و حمیدرضا عریضی، تهران، روان.
- کالینگوود، رابین جورج ۱۳۸۵. *مفهوم کلی تاریخ*، ترجمه‌ی علی اکبر مهدیان، تهران، اختران.
- کامران، فریدون؛ نیک خلق، علی اکبر ۱۳۸۶. *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، چاپخش.
- کینسن کلارک، جورج سیدنی روبرتز ۱۳۶۲. *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ*، ترجمه‌ی آوانس آوانسیان، تهران، اساطیر.
- کیوی، ریمون؛ کامپنهود، لوک وان ۱۳۸۶. *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا، چاپ دوم.

پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ ۷۳

گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جوئیس ۱۳۸۷. *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه‌ی احمدرضا نصر [و دیگران]، تهران، سمت و دانشگاه شهید بهشتی، جلد اول و دوم، چاپ چهارم.

مارشال، کاترین؛ راس من، گرچن ۱۳۸۶. *روش تحقیقی کیفی*، ترجمه‌ی علی پارساییان و سید محمداعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ سوم.

محمدی، بیوک ۱۳۸۷. *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

معموری، علی ۱۳۸۵. "نسبت حقیقت و روش"، *نامه‌ی تاریخ پژوهان*، سال ۲، شماره‌ی ۶، تابستان ۱۳۸۵، صص ۹۳/۸۵.

مکالا، سی. بین ۱۳۸۷. *بنیادهای علم تاریخ*، ترجمه‌ی احمد گل محمدی، تهران، نشرنی.

ملایی توانی، علیرضا ۱۳۸۶. *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران، نشرنی.

منوچهری، عباس، {به اهتمام} ۱۳۸۷. *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران، سمت.

نادری، عزت‌الله؛ سیف نرافی، مریم؛ شاهپوریان، فرنگیس ۱۳۸۶. *راهنمای عملی فراهم‌سازی طرح تحقیقی*، تهران، روان، چاپ دوم.

نظام‌مافی، رضا قلی ۱۳۶۵. "بینش و روش"، در کتاب: *اتحادیه، منصوره؛ فولادوند، حامد، {زیر نظر}*، بینش و روش در تاریخ نگاری معاصر، تهران، نشر تاریخ ایران، صص ۱۳۰/۱۱۵.

نورایی، مرتضی {تألیف و ترجمه} ۱۳۸۷. *راهنمای نگارش در تاریخ*، مشهد، جهاد دانشگاهی.

واسعی، سید علیرضا ۱۳۸۵. "تاریخ تحلیلی یا تحلیل تاریخ"، *نامه‌ی تاریخ پژوهان*، سال ۲، شماره‌ی ۶، تابستان ۱۳۸۵، صص ۱۵۶/۱۳۷.

هومن، حیدرعلی ۱۳۸۶. *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران، سمت.

یاسپرس، کارل ۱۳۶۳. *آغاز و انجام تاریخ*، ترجمه‌ی محمد حسن لطفی، تهران، خوارزمی.

یاسمی، رشید ۱۳۱۶. *آیین نگارش تاریخ*، بی‌جا، شرکت سهامی چاپ.

یروفه یف، ن. آ. (بی‌تا). *تاریخ چیست؟* ترجمه‌ی محمد تقی زاد، بی‌جا؛ جوان.

Abbott, Mary {edited by} 2004. *History skills: A student's handbook*, Newyork, Routledge.

Black, Jeremy, Macrailld, Donald 2000. *Studying History*, Newyork, Palgrave, second edition.

Bloor, Michael, wood, Fiona, 2006 *keywords in Qualitative Methods: A Vocabulary of Research concepts*, London, sage publications.

Booth, Alan, 2003. *Teaching History at university: Enhancing Learning and understanding*, London, Routledge.

Brewer, John, and Hunter, Albert, 2006, *Foundations of Multimethod Research: synthesizing styles*, London, sage Publications.

Budd, Adam, 2009. *The Modern Historiography Reader: western sources*, Newyork, Routledge.

Elton, Geoffrey Rudolph, 2002. *The Practice of History*, Oxford, Blackwell Publishing.

- Floud, Roderick, 1990. *An Introduction to Quantitative Methods for Historians*, London, Routledge.
- Grafton, Anthony, 2007, *What was History?* New York, Cambridge university press.
- Harrison, Robert; Jones, Aled; Lambert, Peter, 2004 "Methodology :Scientific history and the Problem of objectivity", Cited in :Lambert, Peter; Schofield, Phillip; *Making History :An Introduction to the history and Practices of a discipline*, New York, Routledge, PP .26-37.
- Kothari, C.R., 2002 *Research Methodology :Methods and Techniques*, New Delhi, Wishwa Prakashan.
- Lloyd, Christopher, 1995. *The structures of History*, Oxford, Blackwell.
- Marwick, Arthur, 2001. *The New Nature of History*, Hampshire, Palgrave.
- Mcculloch, Gary, 2004. *Documentary Research in Education, History and the social sciences*, London, Routledgefalmer.
- Miller, Delbert C. Salkind, Neil J. 2002. *Handbook of Research Design and social Measurement*, London, 6th edition.
- Novack, George, 1995. *History :Marxist Essays*, New York, Pathfinder, third printing.
- O Dochartaigh, Niall, 2002, *The Internet Research Hand book*, London, sage Publications.

